

قانون اصول محاکمات جزائی

و استرداد مقصرین

پیدایش - تعریف - فائده اهمیت - خصوصیات

از منطوق و مدلول دو ماده فوق چنین مستفاد میشود که قاضی باید در صورت نقص یا ابهام یا اجمال یا تناقض قوانین اصول محاکماتی اعم از جزائی و حقوقی برطبق مفاد و روح و حکمت وضع آنها حکم کند .

اگر در مورد اصول محاکمات جزائی عمل بر روح و مفاد قانون خالی از اشکال می باشد برعکس در قسمت قانون مجازات قاضی نمیتواند با استناد ابهام و اجمال برطبق روح و مفاد قانون عمل نماید . مطابق اصل ۱۲ متمم قانون اساسی ایران و ماده ۲ قانون مجازات عمومی نمیتوان کسی را تعقیب جزائی نمود مگر اینکه مرتکب عمل خلاف قانونی شده باشد و هیچ عملی را نمیتوان جرم دانست مگر به موجب قانون . پس برای اینکه معلوم گردد فلان عمل جرم است یا نه باید بقانون مجازات رجوع کرد . اگر صریح ماده منطبق با مورد بخصوص گردد جرم والا اگر ظاهر ماده صراحت نداشته باشد دیگر ممکن نیست قاضی برطبق روح و مفاد و فلسفه وضع قانون حکم نماید . در این صورت تردید در حکم عدم شمول خواهد بود

باب اول

دعوی

دعوی عمومی و خصوصی ناشی از جرم

در اثر ارتکاب جرم دو حق پیدا می شود : حق شخص متضرر در تلافی ضرری که عمل غیر مشروع مسبب آن شده و حق هیئت اجتماع از لحاظ صیانت حقوق عمومی در سیاست مجرم . این دو حق موجود و منشاء دو دعوی و مراجعه میشود .

۱ - دعوی خصوصی شخص طرف جرم برای جبران ضرر و زیان حاصل از جرم

۲ - دعوی عمومی هیئت اجتماع در تعقیب متهم و تعیین مجازات او

اقامه دعوی خصوصی بعهده شخص متضرر از جرم با قائم مقام قانونی او و تعقیب جنبه عمومی جرم بامدعیان عمومی است که نماینده جامعه میباشند

سابق بر این دو رویه متضاد برای تعقیب مجرم موجود بود : یا حق تعقیب جزائی باخامه بود که مستقلاً جرائم را تعقیب می نمود یا منحصر باشخاصی بود که از وقوع جرم متضرر میشدند طریقه اولی را طریقه تفتیشیه و طریقه ثانوی را طریقه اتهامیه نامند

اصول محاکمات جزائی ابتدا در تحت تأثیر و نفوذ حس انتقام خصوصی نزد ملل قدیمه از طریقه اتهامیه شروع شده است . برطبق این رویه که مبنا و پایه مجازات را بر حس انتقام خصوصی و ترضیه خاطر متضرر از جرم قرار میدهد طبیعی است که برای تعقیب و مجازات مجرم باید منتظر شکایت شخص متضرر از جرم بود

حسن این رویه آنست که متضمن تأمین کاملی برای متهم در مقابل طرف جرم می باشد زیرا با و اجازه میدهد که با نهایت آزادی و با شرایط متساوی از خود دفاع کند . محاکمات شفاهی و حضوری به عمل آمده و رسیدگی مثل محاکمات حقوق علنی است

طریقه اتهامیه از لحاظ اینکه فقط منافع خصوصی شخص متضرر از جرم میباشد و جنبه عمومی آنرا در نظر نمیگیرد ناقص است ولی البته صحیح است که طرف جرم مستقیماً بیک فردی از افراد میباشد لیکن ضرر حاصل از جرم باشخاص

دیگر جامعه نیز سرایت میکنند و آنها را بطور غیر مستقیم متأثر و متاثر مینماید. وقوع جرم باعث اضطراب و وحشت عموم شده و آسایش جامعه از بین میرود. برای انتظام امور و مصونیت حقوق جامعه از تعدی و اجحاف لازم است گسائیکه مخل آسایش و نظم عمومی میشوند سیاست بینند تا دیگر خود آنها مرتکب چنین عملی نشوند و خصوصاً سایرین از تنبیه آنها عبرت گیرند.

جنبه عمومی جرم در طریقه اتهامیه مورد نظر ایست و فقط از لحاظ منافع خصوصی مجرم تعقیب میشود بسا اتفاق می افتند که شخص طرف جرم بواسطه مسامحه یا ترس یا تطمیع از تعقیب مجرم صرف نظر میکنند یا اگر تعقیب نماید چون وسائل تحقیق و تفتیش کامل در دست ندارد دلائل و مدارک او ناقص بوده نمیتواند ادعای خود را در محضر قاضی اثبات کند.

در نتیجه ترقی و تکامل جامعه و ازدیاد حس انتراک بین افراد آن لزوم تنبیه مجرم از لحاظ حسن انتظام جامعه بیشتر محسوس گردید و بنابراین طریقه تفتیشیه ظهور نمود.

طریقه تفتیشیه بعکس طریقه اتهامیه منافع جامعه را بهتر حفظ میکنند. در صورت وقوع جرمی جامعه برای تعقیب مجرم دیگر منتظر اقدام از ناحیه شخص متضرر نگشته و خود مستقلاً در صدد تعقیب برمی آید.

نماینده جامعه برای کشف جرم کاملترین وسائل تحقیق و تفتیش را برای تهیه دلائل و مدارک جرم در اختیار دارد زیرا گایه مستخدمین و حتی افراد مردم مکلف هستند در کشف حقیقت با او کمک نمایند و بدین طریق کمتر

اتفاق می افتند که جرمی تعقیب نشود و مجرمی تنبیه نگردد.

طریقه تفتیشیه تحقیق و آزادی متهم را در دفاع چندان حفظ نمیکند و از این حیث ناقص است. تحقیقات مجرمانه و سری بوده و در غیاب متهم بعمل می آید و حتی بعضی اوقات قبل از محاکمه متهم از آزادی محروم میگردد (توقیف احتیاطی).

چون طریقه اتهامیه و تفتیشیه هر یک دارای معایبی بود طریقه دیگری با سم طریقه مختلط پدید آمد.

طریقه مختلط حق جامعه در سیاست مرتکب و حق دفاع متهم از خود را رعایت و حفظ می کنند. در این طریقه مأمورین مخصوص بنام مدعیان عمومی مأمور کشف و تعقیب جرائم میباشند. حق قضاوت و تعیین مجازات مجرمین بامحاکم و هیئت منصفه بوده و حدود صلاحیت و حقوق هر یک را قوانین کشور تعیین مینماید. محاکمه جزائی دارای دو مرحله است: تحقیقات و محاکمه. در مرحله اول تحقیقات سری و در غیاب متهم بعمل می آید. قاضی تحقیق دلائل جرم را تهیه و جمع آوری نموده حقیقت را کشف مینماید. در مرحله دوم برعکس رسیدگی علنی و در حضور متهم بعمل می آید. قضات پس از رسیدگی بدلائل و شواهد امر حکم بربرائت یا مجرمیت متهم صادر می کنند.

قانون اصول محاکمات جزائی ایران مصوب نهم رمضان ۱۳۳۰ نیز طریقه مختلط را اتخاذ کرده است و مراعات آنهم در آغاز تعقیب و هم در جریان محاکمه و رسیدگی مشاهده میگردد.